

بررسی پتانسیل عفو و بخشش در جامعه و تأثیر سرمایه اجتماعی بر آن

امید بهرامیان^۱

شفیع بهرامیان^۲

بیانه مام الهی^۳

تاریخ وصول: ۹۴/۰۴/۰۴

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۷/۲۵

چکیده

مطالعه حاضر تلاشی اکتشافی در جهت بررسی جامعه‌شناختی مفهوم عفو و بخشش و تبیین پتانسیل عفو و بخشش در جامعه، براساس سرمایه اجتماعی شناختی است. در این مقاله به بعد ارتباطی عفو و بخشش توجه شده و براساس نسبت فرد بخشنده با قربانی، پتانسیل بخشش در دو بعد پتانسیل بخشش معطوف به خود و پتانسیل بخشش معطوف به دیگران مفهوم‌سازی شده است. براساس پیمایش انجام شده در بین نمونه‌ای با حجم ۳۷۸ نفر از شهروندان ارومیه‌ای، به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، وضعیت پتانسیل عفو و بخشش در بین نمونه آماری با میانگین ۳۸/۱ در مقیاس صفر تا صد، در سطح پایینی بوده است. همچنین افراد، زمانی که خود قربانی باشند، پتانسیل بخشش بیشتری داشته‌اند (بخشش معطوف به خود) تا زمانی که یکی از اعضای خانواده‌شان، قربانی رفتار انحرافی دیگران بوده است (بخشش معطوف به دیگران). نتایج تبیینی رابطه بین سرمایه اجتماعی شناختی و پتانسیل عفو و بخشش نشان داده است که سرمایه اجتماعی شناختی به صورت کلی، به میزان ۱۸ درصد، در افزایش پتانسیل عفو و بخشش نقش داشته است. اما یافته‌های آماری نشان داده است که رابطه بین سرمایه اجتماعی و پتانسیل بخشش معطوف به دیگران، به صورت منحنی سهمی درجه دو بوده است. به عبارت دیگر افزایش سرمایه اجتماعی تا سطح متوسطی، باعث افزایش پتانسیل عفو و بخشش معطوف به خانواده شده در حالی که افزایش و تقویت بیشتر سرمایه اجتماعی، باعث کاهش پتانسیل بخشش معطوف به اعضای خانواده فرد شده است.

واژگان کلیدی: عفو و بخشش، سرمایه اجتماعی، پتانسیل، رابطه اجتماعی، سهمی درجه دو

^۱ - کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه شهید بهشتی obahramian@yahoo.com

^۲ - دکتری علوم ارتباطات اجتماعی، عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین

^۳ - کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

مقدمه و بیان مسأله

از دیرباز، انسان برای حفظ حیات خویش، گرایش به زندگی جمعی داشته و به این ترتیب اجتماعات شکل گرفته است. انسان برای تنظیم روابط خود در اجتماع، خط‌کشی‌هایی را برای تنظیم رفتار خویش ایجاد کرده است که در گفتمان علمی جامعه‌شناسی به این خط‌کشی‌های رفتار، "هنجار" گفته می‌شود. همه افراد یک اجتماع موظف به تبعیت از این خط‌کشی‌های رفتاری بوده‌اند و تخطی از آنها، با نارضایتی جمعی روبرو می‌شود. برخی از این هنجارها در جهت تعیین حوزه خصوصی یا حریم شخصی افراد و جلوگیری از ورود سایرین به این حریم تنظیم شده است. افراد در کنش متقابل با یکدیگر دو عنصر ارتباطی انرژی و اطلاعات را بین یکدیگر مبادله می‌کنند اما در این میان امکان تخطی به حریم اشخاص در وجوه مختلف آن وجود دارد.

امروز حراست از حریم فکری، عاطفی، جانی و مالی اشخاص از دو طریق کنترل رسمی و غیر رسمی انجام می‌شود. این کنترل به وسیله تنبیه فرد خاطی از طریق برخورد قانونی با عمل مجرمانه و یا از طریق برخوردهای عرفی و اجتماعی از سوی شخص قربانی یا دیگران انجام می‌شود. در چنین وضعیتی امکان حضور پدیده عفو و بخشش فراهم می‌شود. در واقع مفهوم عفو در برابر با تنبیه و برخورد مراجع قانونی با فرد خاطی قرار می‌گیرد و همچنین مفهوم گذشت به عنوان یک امر اجتماعی فراقانونی در برابر برخورد و تلافی فرد قربانی با فرد خاطی قرار می‌گیرد. بنابراین مفهوم عفو و گذشت زمانی مطرح می‌شود که در سازمان اجتماعی عمل مجرمانه یا رفتار هنجارشکنانه شخص آشکار و بصورت آگاهانه و علنی از برخورد با آن چشم‌پوشی شود. به این ترتیب، تنظیم کنش و روابط اجتماعی نه تنها از طریق تنبیه‌های رسمی و غیر رسمی انجام می‌گیرد گرفته بلکه از طریق بخشش و ترک تنبیه نیز سازمان می‌یابد.

مفهوم عفو در فرهنگ آکسفورد به معنای «عمل آمرزنده» و در فرهنگ دهخدا به معنای «گذشت کردن بر کسی و ترک کردن مجازاتی که شایسته آن است و خودداری از مؤاخذه وی» بکار برده شده است (دانشگر، ۱۳۹۰: ۱۰۹). اما این مفهوم در علم روانشناسی به صورت‌های مختلفی تعریف شده است که در همه آنها یک نوع تقلیل‌گرایی روانشناختی وجود دارد. در علم روانشناسی بخشش اینگونه تعریف می‌شود: بخشش تحولی عاطفی است که آزادانه برگزیده شده و طی آن میل به انتقام از خطاکار کاهش می‌یابد یا در تعریفی دیگر بخشش فرآیند آزادسازی عاطفی-روانی است که در درون فرد رنجور رخ داده و او را از عصبانیت، خشم و ترس وارها نیده و میل به انتقام و ایفای حق وی کاهش پیدا می‌کند (زندگی‌پور و یادگاری، ۱۳۸۶: ۱۱۰). آنچه در این تعاریف به آن توجه می‌شود در واقع جنبه روانی پدیده بخشش بوده است؛ در حالی که بخشش در محیط اجتماعی و در یک کنش متقابل نمادین با سایر کنشگران اجتماعی رخ می‌دهد بنابراین بخشش یک پدیده اجتماعی است که کمترین اثر آن بروی روان فرد بخشنده بوده و دارای اثرات فراوانی بر کنش‌های آتی فرد ذی‌حق، کنش‌های فرد بخشیده شده، روابط

اجتماعی آنها و تأثیر پدیده بخشش بر کل افراد مطلع از آن و بقای سازمان اجتماعی خواهد بود. از طرف دیگر اگرچه پدیده بخشش در مرحله نهایی از طریق تحولات عاطفی و عقلانی شخص اتفاق می افتد اما عوامل رفتاری، اجتماعی و محیطی فراوانی بر این فرآیند تأثیر می گذارند. برخی از این عوامل مربوط به فرد خاطی و برخی مربوط به فرد قربانی و نیز محیط اجتماعی وی بوده است و برخی از عوامل نیز بصورت فرا محیطی مطرح می شود.

عواملی مانند نوع و شدت رفتار هنجارشکنانه و مجرمانه، سابقه رفتار مجرمانه فرد خاطی، نظام شخصیتی فرد ذی حق، پایگاه اجتماعی وی، شدت همبستگی در اجتماع، گستره و عمق پیوندهای اجتماعی، انسجام محیط اجتماعی و سایر عوامل اجتماعی مانند تبلیغات رسانه‌ای، آموزش های رسمی، فعالیت ها و تبلیغات سازمان‌های مردم نهاد، وساطت افراد صاحب نفوذ و غیره بر عمل بخشیدن فرد تأثیر می گذارند.

مفهوم عفو را می توان از دو سطح عفو فرد مجرم از سوی نظام قضایی و قهری جامعه و عفو فرد خاطی از سوی فرد قربانی و یا اطرافیان و نزدیکان وی بررسی کرد. باید توجه داشت که عفو در نظام قضایی دارای ظوابط و اصول قانونی خاص است که بررسی آن در حیطه مطالعات علوم رفتاری نمی گنجد. لذا هدف از این مطالعه بررسی میزان پتانسیل عفو و بخشش در بین کنشگران اجتماعی است. بررسی پیشینه نظری و تجربی مفهوم بخشش در علوم اجتماعی نشان می دهد که تا به امروز به این مفهوم از منظر جامعه شناختی در هر دو سطح هستی شناسی و معرفت شناسی، توجه نشده است. درحالی که عفو و بخشش یک امر کاملاً اجتماعی بوده و با توجه به آثار اجتماعی آن، شایان مطالعه و بررسی جامعه شناختی است.

این درحالی است که سرمایه اجتماعی در سطح خرد و همچنین میزان همبستگی اجتماعی و شدت روابط مکانیکی و ارگانیکی جامعه می تواند در تغییر اندازه پتانسیل عفو و بخشش در بین کنشگران اجتماعی نقش ایفا کند. در واقع زمانی که فرد قربانی از حمایت های عاطفی و اجتماعی لازم برخوردار بوده و گستره روابطش با نهاد خانواده، گروه همسالان و سایر افراد جامعه در سطح مطلوبی باشد این امکان را برای وی فراهم می کند که با شدتضعیف تری به فکر انتقام و توییح فرد خاطی بیفتد. در واقع تأثیر سرمایه اجتماعی بر توانایی بخشش فرد وقتی سؤال برانگیز می شود که مفهوم بخشش ورای تعاریف تقلیلگرایان روانشناختی تعریف عملیاتی شود.

در مقیاس های اندازه گیری مفهوم بخشش در حوزه روانشناسی از جمله مقیاس ویژگی بخشش بری و دیگران (بری و دیگری ۲۰۱۳) و مقیاس بخشایش زناشویی (فینچمن و بیچ ۲۰۱۳) و نیز پرسشنامه مشهور بخشش هارتلند (یامور، دیگری، ۲۰۰۵) تنها به ابعاد روانی مفهوم بخشش از جمله بخشش شخص نیست به خود، بخشش دیگران، بخشش موقعیت ها و بخشش خداوند توجه شده است. درحالی که به جنبه های اجتماعی آن از جمله بخشش جمعی فرد یا گروه خاطی، بخشش فرد نسبت به خطای شخص

درقبال یکی از نزدیکانش و بخشش های گروهی توجه نشده است. تأملی در درگیری های درون گروهی و بین گروهی مانند نزاع های قومیتی، نزاع های جمعی، پدیده "حد" و اختیار اجرای آن با قربانی و نزدیکان وی، اهمیت وجود پتانسیل عفو و گذشت را در سطوح فرا روانی و غیر فردی نشان می دهد. لذا در این تحقیق میزان وجود توانایی بخشش را به عنوان پتانسیل بخشش در نظر گرفته و این پتانسیل را در دو بعد بخشش معطوف به خود (بخشش خاطی، زمانی که خود بخشنده، قربانی باشد) و بخشش معطوف به دیگران (بخشش خاطی، زمانی که یکی از نزدیکان فرد، بخشنده قربانی باشد) مورد توجه قرار خواهیم داد.

باتوجه به موارد ذکر شده، در این مطالعه سعی شده است از دید جامعه شناختی به مقوله عفو و بخشش توجه شده و نقش سرمایه اجتماعی افراد را در قابلیت و توانایی بخشش در هر دو بعد معطوف به خود و معطوف به دیگران مورد بررسی قرار دهد. چراکه سرمایه اجتماعی به عنوان عاملی انسجام بخش عمل می کند و اعضای جامعه را در کنار هم نگه می دارد. درحالی که مفهوم انسجام اجتماعی گاهی اوقات معادل با سرمایه اجتماعی در نظر گرفته می شود و اشاره به درجه به هم پیوستگی و انسجام میان گروه ها در جامعه، دارد. شبکه اجتماعی و حمایت اجتماعی نیز بعنوان اجزای سرمایه اجتماعی تلقی می شوند. این دو مفهوم در واقع شبکه ای از روابط اجتماعی و پیامدهای کارکردی روابط اجتماعی را شامل می شوند که در برگرنده مصاحبت و همدلی، کمک و حمایت عاطفی است (Hsieh, 2008: 151). بنابراین سؤال اصلی این مطالعه این بوده است که پتانسیل عفو و بخشش در دو بعد معطوف به خود و معطوف به دیگران در بین مردم چه توزیعی داشته و سرمایه اجتماعی افراد در ابعاد انسجام، شبکه روابط، اعتماد، کنترل، حمایت و همبستگی اجتماعی چه تأثیری بر پتانسیل عفو و بخشش در جامعه داشته است؟

پیشینه تجربی عفو و بخشش

بررسی پیشینه پژوهشی عفو در ادبیات علوم اجتماعی نشان داده است که حداقل براساس منابع موجود تا به امروز در حوزه جامعه شناسی به این مفهوم به صورت ویژه توجه نشده است، لذا نظریه ای نیز در تشریح و تبیین این مفهوم تولید نشده است. اما همان طور که قبلاً اشاره شد مفهوم بخشش در حوزه روانشناسی مورد توجه قرار گرفته است. در اکثر تحقیقات موجود، به پیامدهای روانی عفو و بخشش توجه شده است. نتایج برخی از این تحقیقات در ذیل گزارش شده است:

در پژوهشی کلینیکال در مصاحبه با افراد نشان داد که بخشش منجر به صلح و آزادی فرد از نفرت می شود. همچنین بخشش باعث تغییرات اساسی افکار و تغییر افکار منفی و مخرب به افکار سازنده می شود. همچنین جانی از جرم خود خجالت زده تر شده و در نتیجه باعث رشد اخلاقی و معنوی در جامعه می شود (غباری بناب، ۲۰۰۹). از نظر جان و جانی عفو و بخشش دارای مزایای جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی می باشد. همچنین بخشش بر تنظیم فشارخون تأثیر می گذارد و باعث کاهش بیماری های قلبی و

عروقی، اضطراب، افسردگی و بیماری های روانی و به طور کلی بر سلامت افراد می شود (جان و دیگری).

غباری بناب و همکارانش در بررسی رابطه میزان بخشش و سلامت روان دانش آموزان به این نتیجه رسیده‌اند که دانش آموزان با بخشش بالاتر، افسردگی و اضطراب کمتری نسبت به سایر دانش آموزان دارند (غباری بناب، کیوان نژاد، تربتی، ۲۰۰۸). تحقیقات تجربی به طور کلی نشان می دهند بین سازگاری و بخشش دیگران همبستگی مثبت وجود دارد (اشتون ۱۹۹۸، راس ۲۰۰۴). همچنین امال در بررسی رابطه بین بخشش و صفات شخصیتی و سلامت روان میان ۴۵۰ نفر از دانشجویان اردن، نتایج نشان می دهد که رابطه مثبت و معنی داری بین ویژگی های شخصیتی و سلامت روان با میزان بخشش دانشجویان وجود دارد.

این مطالعات نشان می دهد که عفو و بخشش در تحقیقات حاضر به عنوان یک پدیده روانی تلقی می شود که بر سلامت روانی و جسمی اشخاص تأثیر می گذارد و به ابعاد اجتماعی بخشش، علل ساختاری و اجتماعی آن و پیامدهای اجتماعی عمل بخشش، توجهی نشده است.

چارچوب مفهومی

باتوجه به وجود نداشتن نظریه های تبیینی عفو و بخشش و فقر نظری موجود در این زمینه، مطالعه حاضر به صورت اکتشافی، به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و توانایی عفو و بخشش در بین مردم پرداخته است، باتوجه به این مهم، مطالعه انجام شده فاقد چارچوب نظری مشخص بوده و در آن از چارچوب مفهومی بهره برده شده است که در آن به بررسی زوایای مختلف مفهوم عفو و بخشش و سرمایه اجتماعی پرداخته شده و براین اساس مدل مفهومی تحقیق، به صورت روابط آگزیوماتیکی منطقی، تنظیم شده است:

تعریف بخشش

مفهوم عفو و بخشش اگرچه از شروع روابط بین انسانی دارای مصادیقی بوده است اما از جمله مفاهیمی است که در مطالعات اجتماعی و رفتاری به آن کمترین توجهی نشده است. بخشش به عنوان یک پدیده اجتماعی زمانی امکان وقوع پیدا می کند که ابتدا ارتباطی در عرصه اجتماعی و دست کم بین دو کنشگر برقرار شده و احساسی ناخوش آیند بین آنها مبادله شود. در یک تعریف، عفو و بخشش یک فرآیندی (و یا در نتیجه یک فرآیندی) است که شامل تغییر در احساسات و نگرش مجرم می شود. نتایج این فرآیندها موجب کاهش انگیزه برای مقابله به مثل و یا دوری از شخص مجرم علی رغم اقدامات آنها، و نیاز به رهایی از احساسات منفی نسبت به مجرم می شود. نظریه پردازان در میزان بخشش افراد تفاوت قائل می شوند. در هر صورت، بخشش با شناخت کامل قربانی اتفاق می افتد، به طوری که قربانی

معتقد به یک نوع رفتار بهتری است، یکی از اعتقادات مهاتما گاندی بعنوان یکی از سردمداران جنبش صلح طلبی و بخشش و ترک خشونت این بود که "ضعیف هرگز نمی تواند ببخشد. عفو و بخشش ویژگی یک فرد قوی است" (استوب ۲۰۰۸).

بخش و آستی

برخی از نظریه پردازان مشاهده کرده اند که آستی، و یا احیای یک رابطه، به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از فرایند بخشش است، و دیگر فرایندها به عنوان فرایندهای مستقل هستند زیرا بخشش ممکن است در غیاب آستی رخ دهد و مصالحه ممکن است در غیاب بخشش اتفاق بیفتد. با این وجود، بخشش دارای تبعات رفتاری است. کاستن از انتقام و انگیزه های پرهیز از انتقام و افزایش توانایی ابراز آرزو خوب برای شخص مجرم بخشی از این تبعات است. بخشش یک فرآیند یک طرفه است (فینچمن ۲۰۰۵). بخشش متفاوت از فرایندهای دیگر، مانند چشم پوشی شناخته شده است (نادیده گرفتن یک عمل اشتباه در نتیجه بخشش)؛ معذرت خواهی (پاسخگو بودن شخص یا گروه به عملکرد خود) عفو (که تنها توسط یک نماینده از جامعه، مانند یک قاضی اعطا می شود)، و فراموش کردن (از بین رفتن آگاهی از جرم از حافظه خودآگاه و بخشیدن به دلیل فراموش کردن جرم). بسیاری از این مفاهیم که توسط محققان، متفاوت تلقی می شوند در مفاهیم عام بخشش یکسانند (فینچمن ۲۰۰۵).

از نظر فریدمن پدیده بخشش به عنوان یک امر اجتماعی دارای مزایایی در سطح روانی و بین فردی است که دو طرف آن را دربر می گیرد: ۱- کمک در آرامش روانی از طریق تغییرات مثبت در احساسات ۲- پیشرفت در بهبودی جسمی و روانی ۳- بازبایی حس توانایی فردی شخص قربانی ۴- کمک به آستی بین شخصی که جرم بر روی او اتفاق افتاد و مجرم و ۵- باعث ارتقای امید برای حل و فصل اختلافات میان گروهی در دنیای واقعی می شود (فینچمن ۱۹۹۶).

ستوب نیز نتایج حاصل از پیامدهای تجربه بخشش را خلاصه کرده است: از نظر او اقدام به بخشش باعث بهبود احساسات شده و میزان بیماری های روانی را کاهش می دهد. همچنین پاسخ استرس های فیزیولوژیکی را کاهش می دهد و در نتیجه موجب بهبود جسمانی و منجر به احساس کنترل شخصی بیشتری می شود و در نهایت باعث تسهیل ترمیم روابط با افراد و تقویت ارتباطات عاطفی و اجتماعی می شود.

از دیدگاه پدیدارشناسی به این مهم توجه شده است که عمل بخشش در خلاء اتفاق نمی افتد بلکه یک تعامل اجتماعی بین قربانی و مجرم وجود دارد. حتی در مواردی که در آن هیچ تماس چهره به چهره بین این افراد وجود ندارد، یک پیوند اجتماعی ایجاد شده است، نقش های اجتماعی تعریف شده، و یک گفتمان خاص از بخشش استفاده می شود. در گفتن کلمات بخشش نیز فرد به یک رابطه جدید وارد می شود و این رابطه اغلب از طریق صحبت کردن با یکدیگر به وجود می آید (کرینز ۲۰۰۴).

هنگامی که بخشش اتفاق می افتد، این امکان وجود دارد که معانی بخشش تغییر کند. خانواده، دوستان، و گروه‌های اجتماعی تحت تأثیر این عمل قرار می گیرند، بنابراین این عمل که ابتدا بسیار شخصی به نظر می آید، ابعاد اجتماعی پیدا می کند. این چیزی است که هربرت بلومر آن را کنش متقابل نمادین تلقی می کند؛ که در آن معانی ما برای چیزهایی همچون بخشش گاهی اوقات از طریق یک فرآیند تفسیری تجدید نظر شده تغییر می کند (کرینز ۲۰۰۴).

عوامل ساختاری وجود دارد که منجر به ایجاد مکانیزم‌هایی به منظور افزایش توانایی بخشیدن و ارتقای درک ریشه‌های خشونت در میان افراد در سطح فردی (به عنوان مثال: اختلافات زوجین، قربانیان زنای با محارم، مشکلات ناشی از اختلافات پدر و مادر) و سطح گروهی (نقض حقوق بشر، درگیری‌های میان گروهی و جنگ) می‌شود که باعث آشتی و بخشش و کاهش خشونت‌های جمعی و آسیب‌های فردی می‌شود (ستوب ۲۰۰۴). از آنجا که پدیده بخشش در در ارتباط با دیگران و در محیط اجتماعی رخ می‌دهد، می‌تواند از سرمایه اجتماعی افراد بخشنده تأثیر بپذیرد.

عفو و بخشش یک کنش اجتماعی است که می‌تواند با توجه به نظریه پارسنز آن را تشریح کرد. به نظر پارسونز ارزش‌های همراه با کنش، از خارج بر افراد تحمیل نمی‌شود بلکه در مناسبات متقابل‌شان با جامعه ایجاد می‌گردد، از این‌رو جا دارد آن‌ها را اجتماعی بنامیم. در واقع این ارزش‌ها هستند که در عمل، شرایط ساختی کنش اجتماعی را تشکیل می‌دهند، متغیرهای الگویی فرآیند کنش اجتماعی مانند فرآیند بخشش افراد خاطی افراد را نسبت به موقعیت خود بیان می‌کند. منظور از متغیر انتخاب یک شق از دو شقی است که عامل پیش از آنکه معنای موقعیت بر او معلوم باشد و بخواهد به عمل دست بزند باید یکی از آن دو را انتخاب کند. پارسونز تعداد این دو راهی‌ها را پنج متغیر اساسی می‌داند، این متغیرها می‌توانند در توانایی افراد برای بخشیدن افراد خاطی نیز، به عنوان یک کنش اجتماعی، نقش ایفا کنند. متغیرهای مدنظر پارسونز عبارت‌اند از: ۱- عاطفی بودن در برابر خنثی بودن از لحاظ عاطفی؛ ۲- جهت‌گیری جمعی در برابر جهت‌گیری به سوی خود. ۳- عام‌گرایی در برابر خاص‌گرایی؛ ۴- کیفیت ذاتی در برابر جنبه عملی؛ ۵- ویژه بودن در برابر پراکنده بودن (توسلی، ۱۳۸۰: ۲۴۳). این متغیرهای تعیین‌کننده کنش بخشش متأثر از ساختارهای اجتماعی و شدت و نوع همبستگی اجتماعی هستند.

سرمایه اجتماعی

به تازگی مفهوم سرمایه اجتماعی به طور گسترده‌ای به وسیله محققان علوم اجتماعی، در تشریح پدیده‌های اجتماعی گوناگون مورد استفاده قرار می‌گیرد. به نظر زیمل فرآیند‌هایی نظیر تقسیم کار فزاینده، عقلانیت مفرط و نظایر آن سبب ناپایداری روابط و کاهش اعتماد اجتماعی است. جامعه‌شناسان معاصر برای بررسی کمیت و کیفیت روابط اجتماعی در جامعه از مفهوم سرمایه اجتماعی بهره‌جسته‌اند (شارع پور، ۱۳۸۰: ۱۲۰). به طور کلی سرمایه اجتماعی یک مفهوم جمعی است که برخاسته از رفتارها، نگرش‌ها و استعداد‌های فردی است (بروم ۱۹۹۷).

این مفهوم در حوزه جامعه‌شناسی از اهمیت فراوانی برخوردار بوده است و نظریه پردازان زیادی در این باب تئوری پردازی کرده‌اند: بوردیو (۱۹۸۶) در گروه اولین کسانی است که سرمایه اجتماعی را به طور سیستماتیک، تحلیل کرده و آن را به منزله منابع بالقوه یا بالفعلی می‌داند که در شبکه‌ای از روابط کم و بیش نهادینه شده و دوجانبه ایجاد می‌شود. در همین راستا، وابستگی سرمایه اجتماعی به ساختار اجتماعی تأکید می‌کند (گریپ ۲۰۰۸). بعد ها کلمن (۱۹۸۸) سرمایه اجتماعی را به منزله منبعی برای کنش افراد در نظر می‌گیرد که در روابط میان اشخاص وجود دارد و نتیجه آن به هم پیوستگی در ساختار اجتماعی بوده و قابل تبدیل به سایر اشکال سرمایه است (همان ۲۰۰۸). از نظر پاتنام، سرمایه اجتماعی به مجموعه مفاهیمی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها اشاره دارد که موجب ایجاد ارتباطات و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع شده و در نهایت منجر به تأمین منافع متقابل آنان می‌شود (توداروم، ۱۳۷۵: ۸۷). در ادامه تعاریف ذکر شده، تشریح شده است:

درواقع توضیح و تفسیر یکپارچه این اصطلاح توسط پیربوردیو در ۱۹۷۲ انجام شد. بوردیو سرمایه اجتماعی را به عنوان «مجموعه منابع بالقوه و بالفعل که به عضویت در یک گروه مرتبط می‌شود، تعریف می‌کند، که هریک از اعضا با پشتیبانی از سرمایه اجتماعی فراهم می‌کنند» (بوردیو ۲۴۳: ۱۹۸۶). جیمز کلمن سرمایه اجتماعی را از طریق کارکردش تعریف کرد. از نظر وی «سرمایه اجتماعی منبعی اجتماعی - ساختاری است که دارای و سرمایه افراد محسوب می‌شود. این دارایی شی واحدی نیست، بلکه ویژگی‌هایی است که در ساختار اجتماعی وجود دارد و باعث می‌شود افراد با سهولت بیشتری وارد کنش اجتماعی شوند» (کلمن، ۱۳۷۷).

پاتنام، مقوله سرمایه اجتماعی را مرتبط با جمع و جامعه می‌داند و این مفهوم را این گونه تعریف می‌کند: «شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد، شرکت کنندگان را به همکاری جدی‌تر و کارآمدتر برای دستیابی به هدف‌های مشترک قادر می‌سازد» (از کیا، ۱۳۸۱: ۲۷۸). به نظر وی، سرمایه اجتماعی در گروه‌های مدنی و دینی، پیوندهای خانوادگی، شبکه‌های اجتماعی غیررسمی، دوستان و خویشاوندان، هنجار عمل متقابل، داوطلب شدن و اعتماد نهفته است. هنجارهای اعتماد و عمل متقابل در بین شبکه‌ها، منابع سرمایه و اساساً اجتماعی هستند. سرمایه اجتماعی فی‌نفسه کنش جمعی نیست، بلکه هنجارها و ضمانت‌های اعتماد و عمل متقابل در شبکه‌های اجتماعی است که مشکلات غیر قابل حل کنش جمعی را حل می‌کند (پاتنام ۱۹۹۵).

گرین سرمایه اجتماعی را به صورت زیرتعریف می‌نماید: طیف کاملی از نهادها، اعمال، ابزارها و رفتارهای یاد گرفته شده، که گروه‌ها و افراد را قادر می‌سازد تا فضاهای فیزیکی را بهره‌ور و فضاهای فرهنگی و اجتماعی را مساعد نمایند.

سرمایه‌ی اجتماعی از ابعاد گسترده‌تری برخوردار است؛ چون در جوامع، همه‌ی افراد در درون شبکه‌ی فشرده به نوعی با دیگر اعضای جامعه پیوند و ارتباط دارند. کلمن بر این باور است که وجود روابط و

پیوندهای دیرینه بین اعضای یک جامعه می تواند، ضمن ماندگار ساختن هنجارهای کارآمد، به ایجاد اعتماد در جامعه نیز کمک کند. در پرتو اعتماد است که تعهدات و انتظارات شکل می گیرند. اعتماد می تواند همان نوع از ضمانت اجرایی را به وجود آورد که در ساختارهای اجتماعی که افراد انتظارات روشن و مشخصی از چگونگی رفتار خود و رفتار دیگران دارند، اطلاعات لازم مربوط به این موضوع در اختیار همه اعضای جامعه قرار دارد. تعهد برای انجام امور به خودی خود یک منبع و امکان محسوب میشود و چنانچه در مواقع ضروری در اختیار دیگران قرار گیرد، شکل ملموس به خود خواهد گرفت (شارع پور، ۱۳۸۰: ۸۰-۸۵).

سرمایه اجتماعی را در یک تقسیم‌بندی معرفت‌شناختی می توان به دو بخش سرمایه اجتماعی شناختی(رابطه‌ای) و سرمایه اجتماعی ساختاری یا نهادی تقسیم کرد: سرمایه اجتماعی شناختی به تجلیات انتزاعی سرمایه اجتماعی، از قبیل اعتماد، هنجارها و ارزش‌هایی اشاره دارد که کنش‌های متقابل میان مردم را تحت تأثیر قرار می دهد. اما تجلی ساختاری این سرمایه به جنبه‌های عینی مفهوم سرمایه اجتماعی توجه دارد؛ مواردی مانند نهادهای محلی، سازمان‌ها و شبکه‌های موجود در میان مردم که قادر به پیگیری اهداف فرهنگی، اجتماعی و ... می باشند. این جنبه از سرمایه اجتماعی باعث ایجاد روابط افقی و روابط عمودی در جامعه گشته و از این طریق سرمایه اجتماعی کل جامعه تقویت می شود(چلبی و مبارکی، ۱۳۸۴: ۷). از این روی، باتوجه به این مهم که مفهوم بخشش در قابل کنش افراد مصداق پیدا می کند لذا در این تحقیق سرمایه اجتماعی شناختی به عنوان عاملی مؤثر در تبیین میزان پتانسیل بخشش افراد مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه مباحث نظری مرتبط با ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی شناختی یا رابطه‌ای تشریح شده است:

یکی از عناصر سرمایه اجتماعی همبستگی و وفاق اجتماعی است. این رکن سرمایه اجتماعی را می توان در اندیشه فردی مانند «دورکیم» جستجو نمود: از نظر وی همبستگی، عبارت است از احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه؛ که از آگاهی و اراده برخوردار باشند. این احساس مسئولیت می‌تواند شامل پیوندهای انسانی و برادری بین انسان‌ها به‌طور کلی حتی با وابستگی متقابل حیات و منافع بین آنان باشد. همبستگی حائز یک معنای اخلاقی به‌نام وظیفه و یا الزام متقابل است. هم‌چنین وابستگی متقابل اجزاء و یا موجودات در یک کل را هم می‌فهماند. به زبان جامعه‌شناختی، همبستگی پدیده‌ای را می‌رساند که بر پایه ی آن در سطح یک گروه یا جامعه، اعضا به یکدیگر وابسته و به‌طور متقابل نیازمند به یکدیگرند. بدین ترتیب همبستگی گروهی نیز به‌معنای آن است که گروه وحدت خود را حفظ کند و با عناصر وحدت‌بخش خویش تطابق و هم‌نوایی یابد(آرون، ۱۳۷۲: ۱۰۱-۱۰۷). دورکیم به‌عنوان یک جامعه‌شناس کلاسیک، همبستگی گروهی را محور تحلیل خود قرار داد و آن را به دو بخش مکانیکی و ارگانیکی تقسیم کرد. همبستگی مکانیکی به معنای وابستگی متقابل عناصر مشابه اجزای همگن در یک کل اجتماعی فاقد تمایزات داخلی است و همبستگی عضوی یا ارگانیکی، از تقسیم کار

اجتماعی و به همراه آن کارکردها و تلاش‌هایی که مثل فرآیند اعضای متمایز انسان یکدیگر را کامل می‌کنند، می‌باشد. همبستگی اجتماعی در نگاه دورکیم اهمیت تعیین کننده ای دارد. بنابراین از دیدگاه دورکیم می‌توان این برداشت را داشت که هر نوع همبستگی و درگیری اجتماعی سبب افزایش بردباری اجتماعی و پتانسیل بخشش انحرافات اجتماعی می‌شود. درواقع پیوند های اجتماعی که دارای ارزش و معنای مثبتی هستند در کنار عوامل دیگر مانند نقش و حمایت اجتماعی سبب افزایش بردباری، قابلیت بخشش دیگران و سلامت روان می‌شوند (اویسون ۲۰۰۶).

تراویس هیرشی در باب نقش همبستگی در کنترل اجتماعی معتقد است گروهی که اعضایش با هم همبستگی قوی داشته‌در باب نقش همبستگی در کنترل اجتماعی باشند، بهتر قادر به اعمال کنترل اجتماعی روی اعضایش خواهد بود تا گروهی که بین آنها همبستگی استواری وجود نداشته باشد (ستوده، ۱۳۸۰).

دورکیم به گونه‌ای غیرمستقیم به حمایت اجتماعی به عنوان محصولی برآمده از روابط اجتماعی توجه دارد. اگرچه او برای اولین بار بحث تأثیر شبکه روابط اجتماعی و حمایت‌های منتج از این شبکه را در آسیب‌شناسی باب نمود. اما حمایت اجتماعی در تحلیل‌های آسیب‌شناختی اجتماعی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از نظر ساراسون و دیگران حمایت اجتماعی میزان برخورداری از محبت، همراهی و توجه اعضای خانواده، دوستان و سایر افراد تعریف شده است. برخی حمایت‌های اجتماعی را واقعیت اجتماعی و برخی آن را ناشی از ادارک فرد می‌دانند (ممتاز، ۱۳۸۱).

اعتماد نیز یکی از اصلی‌ترین مؤلفه سرمایه اجتماعی به‌شمار می‌رود؛ اعتماد اجتماعی را می‌توان داشتن حسن ظن به دیگران در روابط اجتماعی فرد یا گروه است دانست که تسهیل کننده روابط اجتماعی بوده و امکان سود یا زیان را در خود نهفته دارد؛ جورج زیمل با طرح مبادله و بیان منافع پشت سر آن، اعتماد را یکی از مهم‌ترین ضرورت‌های مبادله قلمداد کرده است. به اعتقاد او بدون اعتماد عمومی افراد به یکدیگر، جامعه تجزیه می‌شود. ماکس وبر ضمن تأکید ویژه بر کنش اجتماعی و نیت‌مندی معانی، معتقد است اعتماد همچون ارزشی که در لایه‌های پسین کنش‌هاست، می‌تواند به کمک منافع عمل‌گرایانه ایجاد و مستحکم شود (چلبی، ۱۳۸۱: ۷۵).

جمع‌بندی نظری

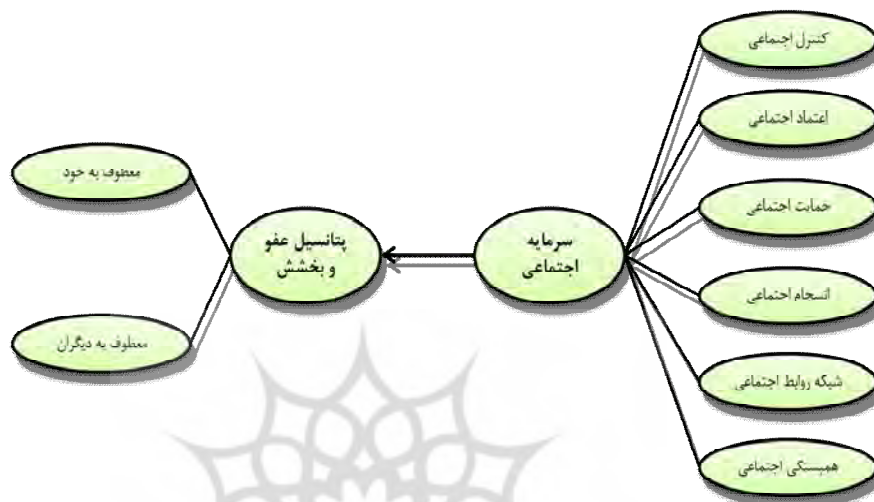
چلبی در بررسی نظام شخصیتی چهار بعد را برای الگوی مفهومی انسان متصور می‌شود. وی براساس مدل آجیل (AGIL) انسان را در چهار علقه مادی، امنیتی، شناختی و ارتباطی ترسیم می‌کند (چلبی، ۱۳۸۱: ۷۵). براساس این تقسیم بندی می‌توان حریم خصوصی انسان را در چهار بعد مالی، جانی، عاطفی و جمعی در نظر گرفت که به ترتیب در علقه های مادی، امنیتی، شناختی و ارتباطی قرار می‌گیرند. بنابراین زمانی که فرد خاطی به یکی از این حریم‌های انسان و یا نزدیکان وی تجاوز کند،

امکان عمل بخشیدن از سوی فرد قربانی یا نزدیکان وی فراهم می شود. اگر بخشش را به عنوان یک پدیده اجتماعی تلقی کنیم و جنبه ارتباطی آن را در نظر بگیریم، می توان عمل بخشش را براساس نسبت فرد با عمل انحرافی به دو بعد تقسیم کرد. در یک بعد، فردی که در وضعیت بخشندگی قرار می گیرد، قربانی رفتار منحرفانه فرد خاطی بوده است که آن را به صورت "بخشش معطوف به خود" مفهوم سازی می کنیم. درحالی که این امکان وجود دارد فرد بخشنده در موقعیتی قرار بگیرد که به حریم یکی از نزدیکان وی (از جمله اعضای خانواده) تجاوز شده باشد. این وضعیت را می توان بعد دوم عفو و بخشش در نظر گرفت و آن را در قالب "بخشش معطوف به دیگران (نزدیکان و خانواده)" در نظر گرفت. از آنجا که اندازه گیری دقیق میزان بخشندگی فرد در شرایط مختلف امکان پذیر نیست، لذا در این مطالعه قابلیت و توانایی افراد در بخشش دیگران براساس شرایط مختلف احتمالی به عنوان پتانسیل عفو و بخشش دیگران مدنظر قرار گرفته است.

براساس مباحث نظری انجام شده و ماهیت سرمایه اجتماعی، سطح شناختی سرمایه اجتماعی می تواند در توانایی بخشش افراد نقش داشته باشد. براساس این نوع از سرمایه اجتماعی، ابعاد همبستگی اجتماعی، حمایت اجتماعی، کنترل اجتماعی، شبکه روابط اجتماعی، انسجام اجتماعی و اعتماد اجتماعی به عنوان منابع بالقوه و بالفعل اجتماعی-ساختی افراد تلقی می شوند که می تواند در تصمیم گیری و کنش های وی نقش ایفا کنند. براین اساس ابعاد فوق الذکر می توانند بر پتانسیل افراد برای بخشش افراد خاطی، به عنوان یک کنش اجتماعی نقش ایفا کنند. در این میان متغیرهای الگویی پارسونز نیز باتوجه به شدت روابط مکانیکی-ارگانیکی جامعه، در تعیین کنش بخشش افراد خاطی و شدت و جهت رابطه سرمایه اجتماعی با متغیر پتانسیل عفو و بخشش نقش داشته باشد. باتوجه به این روابط، مدل نظری تحقیق ترسیم شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مدل نظری تحقیق



شکل (۱) مدل نظری تحقیق

فرضیه های تحقیق

به نظر می رسد بین سرمایه اجتماعی افراد و پتانسیل عفو و بخشش آنها رابطه معناداری وجود دارد. به نظر می رسد بین سرمایه اجتماعی افراد و بعد پتانسیل بخشش آنها نسبت به خود رابطه معناداری وجود دارد.

به نظر می رسد بین سرمایه اجتماعی افراد و بعد پتانسیل بخشش آنها نسبت به دیگران (نزدیکان) رابطه معناداری وجود دارد.

روش تحقیق

روش تحقیق این مطالعه از نوع پیمایشی متکی به پرسشنامه کتبی بوده و مقیاس سنجش مفاهیم، لیکرت پنج ارزشی بوده است. محیط مورد مطالعه نیز شهر ارومیه بوده و جامعه آماری شامل همه افراد بالای ۱۸ سال ساکن در شهر ارومیه بوده اند، این پیمایش در زمستان سال ۱۳۹۳ انجام شده است. حجم نمونه انتخاب شده براساس فرمول کوکران و باتوجه به حجم جامعه آماری ۳۸۶ نفر بوده است که با استفاده از روش انتخاب نمونه خوشه ای چند مرحله ای، براساس بخش های جغرافیایی، در هر بخش دو محله انتخاب شده و برای هر محله ۴۰ پرسشنامه مدنظر قرار گرفته و به این ترتیب کوچه ها و نمونه های مورد نظر باتوجه به تقسیم بندی های جغرافیایی به صورت انتخاب شده و درنهایت تعداد ۳۷۶

بررسی پتانسیل عفو و بخشش در جامعه و تأثیر سرمایه اجتماعی بر آن

پرسشنامه به صورت تکمیل شده بازگشت و با استفاده از نرم افزار آماری spss مورد تحلیل قرار گرفته است.

تعریف مفاهیم

سرمایه اجتماعی: همان طور که قبلاً ذکر شد در این تحقیق سرمایه اجتماعی شناختی رابطه ای افراد جامعه مورد سنجش قرار گرفته است؛ لذا در این مطالعه سرمایه اجتماعی از طریق ابعاد شبکه روابط اجتماعی، انسجام اجتماعی، حمایت اجتماعی، همبستگی اجتماعی، کنترل اجتماعی، اعتماد اجتماعی اندازه گیری شده است. گویه های مربوط به این ابعاد و میزان الفای کرونباخ آنها در جهت سنجش میزان پایایی در جدول (۱) آمده است.

جدول (۱) ابعاد و گویه های سرمایه اجتماعی و میزان آلفای کرونباخ

آلفای کرونباخ	گویه	ابعاد
۰.۷۶	مردم جامعه ما به راحتی با همدیگر کنار می آیند مردم جامعه ما اغلب به دیدن یکدیگر می روند مردم محله ما با همدیگر بسیار صمیمی هستند	انسجام اجتماعی
۰.۷۱	ظاهر و باطن مردم محله من یکی است بیشتر افراد جامعه ما قابل اعتمادند مسئولین شهر، بیشتر به فکر منافع شخصی خود هستند تا منافع مردم به نهادها و سازمان های دولتی شهر اعتماد دارم	اعتماد اجتماعی
۰.۸۵	به طور کلی هر چند وقت یکبار به دیدن دوستان صمیمی خود می روید به طور کلی هر چند وقت یکبار به دیدن فامیل های نزدیک می روید چقدر احساس تنهایی می کنید با همسایه هایتان تا چه حدی ارتباط دارید ارتباطتان با افراد صاحب نفوذ شهر در چه حدی است دوستانتان تا چه حد ما یابند شما را ملاقات کنند	شبکه روابط اجتماعی
۰.۸۳	افراد محله برای تأمین امنیت این محله به همدیگر کمک می کنند افراد جامعه ما تلاش می کنند حق مظلومی ضایع نشود اطرافیان من همیشه مانع از ایجاد درگیری و نزاع می شوند مردم ما سعی می کنند به هنجارها و ارزش های دیگران احترام بگذارند	کنترل اجتماعی
۰.۷۴	من دوستانی دارم که واقعاً می توانم روی کمکشان حساب کنم در زندگی کسانی را دارم که به هنگام نیاز، کنارم هستند در زندگی کسانی را دارم که در واقعاً وقت شادی و غم، باعث دلگرمی من هستند خانواده ام هیچ وقت مشکلات من را درک نمی کنند همیشه روی حمایت های اعضای خانواده ام حساب می کنم زمانی که با مشکلی برخورد، اعضای خانواده ام با جان و دل من را یاری می کنند	حمایت اجتماعی (خانوادگی و اجتماعی)
۰.۷۹	اعضای خانواده ام و فامیل همیشه از همدیگر انتقاد می کنند اعضای خانواده ام با همدیگر بسیار صمیمی و مهربان اند هم محله ای های ما همیشه سعی می کنند از حال هم باخبر باشند در زمان بحران ها همبستگی و هم دلی مردم بسیار بالا است	همبستگی اجتماعی (خانوادگی و اجتماعی)

با اینکه مردم شهر از تیره های مختلفی هستند ولی تعاملات مثبت شان با همدیگر قابل تحسین است

پتانسیل عفو و بخشش: در مطالب فوق تعاریف مختلفی از مفهوم عفو و بخشش ذکر گردید. اما به صورت کلی مفهوم پتانسیل عفو و بخشش را می توان اینگونه تعریف کرد که قابلیت و توانایی افراد در گذشت از حق تنبیه یا جبران، در شرایطی که فرد خاطی به حریم فرد یا نزدیکانش تعرض کرده باشد. این حریم فرد می تواند جنبه مالی، جانی، جمعی و یا عاطفی داشته باشد. لذا پتانسیل بخشش عبارت

است از چشم پوشی داوطلبانه‌هاز جبران مادی و معنوی صدمه مالی، جانی، جمعی و عاطفی (باتوجه به تقسیم بندی نظام شخصیتی مدنظر چلبی، ۱۳۸۱) خود یا یکی از نزدیکان. بنابراین در این مطالعه براساس نسبت فرد به قربانی، پتانسیل عفو و بخشش در دو بعد بخشش معطوف به خود (زمانی که خود فرد، قربانی شده) و بخشش معطوف به دیگران (زمانی که یکی از اعضای خانواده وی، قربانی شده) در جنبه‌های مختلف جانی، مالی، عاطفی و جمعی مدنظر قرار گرفته شده است. همچنین در پرسشنامه، این مهم تذکر داده شده است که فرد خاطی کسی غیر از اعضای خانواده و فامیل پاسخگویان باشد. گویه- های این مقیاس همراه با میزان آلفای کرونباخ آنها در جدول (۲) آمده است:

جدول (۲) ابعاد و گویه های پتانسیل عفو و بخشش و میزان آلفای کرونباخ

آلفای کرونباخ	گویه	ابعاد
۰.۷۱	اگر کسی در بازار به شما توهین کند، تا چه حد امکان دارد وی را ببخشید (جمعی)	پتانسیل
	اگر کسی در عابر پیاده به شما تهنه بزند، تا چه حد امکان دارد وی را ببخشید (جمعی)	بخشش
	وقتی کسی پشت سر شما حرف بزند، تا چه حد امکان دارد وی را ببخشید (عاطفی)	معطوف به خود
	اگر کسی در حد شدیدی با احساسات شما بازی کند، چقدر احتمال دارد وی را ببخشید (عاطفی)	
	اگر کسی درآمد سه ماه خانواده تان را از شما قرض بگیرد و ورشکست شود چقدر امکان دارد برای همیشه پولتان را به وی ببخشید (مالی)	
	اگر جوان سالنی از شما دزدی کند، در صورت دستگیری چقدر احتمال دارد او را ببخشید (مالی)	
	اگر کسی عمداً در یک دموا شما را زخمی کند، چقدر احتمال دارد وی را ببخشید (جانی)	
	تصور کنید کسی خدای تکرده شما را عمداً بکشد، اگر جای اعضای خانواده تان باشید چقدر احتمال دارد قاتل را ببخشید (جانی)	
۰.۷۹	اگر کسی در بازار به یکی از اعضای خانواده تان توهین کند، چقدر احتمال دارد از این حرف او بگذرید (جمعی)	پتانسیل
	اگر در حال قدم زدن با اعضای خانواده تان تهنه بزند، چقدر احتمال دارد از این رفتار وی گذشت کنید (جمعی)	بخشش
	اگر کسی با احساسات و عواطفی یکی از اعضای خانواده تان بازی کند، چقدر احتمال دارد او را ببخشید (عاطفی)	معطوف به دیگران
	اگر کسی پشت سر یکی از اعضای خانواده تان حرف بزند تا چه حد امکان دارد او را ببخشید (عاطفی)	
	اگر کسی درآمد چند ماه خانواده را از یکی از اعضای خانواده تان قرض بگیرد و نتواند پس دهد، چقدر احتمال دارد برای همیشه پول تان را به وی ببخشید (مالی)	
	در صورتی که از یکی از اعضای خانواده تان کلاه برداری کنید، چقدر احتمال دارد شما کلاه بردار را ببخشید (مالی)	
	اگر کسی عمداً در یک دموا یکی از اعضای خانواده تان را زخمی کند، چقدر احتمال دارد وی را ببخشید (جانی)	
	تصور کنید خدای تکرده فردی، یکی از اعضای خانواده شما را عمداً بکشد، چقدر احتمال دارد قاتل را ببخشید (جانی)	

اعتبار و پایایی وسیله اندازه گیری

اگرچه گویه‌های مربوط به اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی از تحقیقات گذشته اقتباس شده است، اما پرسشنامه پتانسیل عفو و بخشش باتوجه به رویکرد جامعه‌شناختی آن به صورت محقق ساخته، تهیه و تدوین شده است. لذا قابلیت اعتبار سازه‌های پرسشنامه از طریق بررسی اعتبار محتوا و اعتبار سازه‌های ارزیابی شده است: ابتدا اعتبار محتوایی گویه‌های پرسشنامه، براساس نظر شش نفر از استادان جامعه‌شناسی و دانشجویان دکتری جامعه‌شناسی، ارزیابی و مورد تأیید قرار گرفته و همچنین از طریق تحلیل عاملی تأییدی، میزان اعتبار سازه‌های ابعاد مختلف متغیرهای تحقیق ارزیابی و تأیید شد. همچنین قابلیت اعتماد و تعمیم پذیری گویه‌های تدوین شده، از طریق اندازه‌گیری شاخص آلفای کرونباخ در پیش‌آزمون انجام شده بین ۳۰ نفر از افراد نمونه، ارزیابی شده است؛ همچنان که در جداول (۱ و ۲) مشاهده می‌شود، مقدار آلفای کرونباخ ابعاد هر دو متغیر مکنون، در همه موارد، بالای حد قابل قبول ۰.۷ بوده است؛ لذا پرسشنامه نهایی از اعتبار و پایایی لازم برخوردار بوده است.

بررسی پتانسیل عفو و بخشش در جامعه و تأثیر سرمایه اجتماعی بر آن

یافته‌های تحقیق

توصیف متغیرهای اصلی تحقیق

در پردازش داده‌های خام جمع آوری شده، روش برساخت متغیرهای مکنون سرمایه اجتماعی و پتانسیل عفو و بخشش به این ترتیب بوده است که ابتدا بعد از همسوسازی گویه‌های مربوط به ابعاد متغیرها، آنها را براساس ابعادشان با یکدیگر ترکیب کرده و براساس دامنه‌شان در مقیاس صفر تا صد برساخت کردیم و جهت ایجاد متغیرهای مکنون سرمایه اجتماعی و پتانسیل عفو و بخشش، جمع ابعاد متغیرها تقسیم بر تعدادشان شده است، به این ترتیب، دامنه مقیاس متغیرهای اصلی تحقیق از صفر تا صد بوده و براساس این مقیاس متغیرهای تحقیق توصیف شده است:

پتانسیل عفو و بخشش

جدول (۳) توزیع فراوانی پتانسیل عفو و بخشش در بین نمونه آماری

خیلی پایین	پایین	متوسط	بالا	خیلی بالا
۸۱	۱۲۵	۶۹	۶۳	۳۸
۴۱.۵	۳۳.۲	۱۸.۴	۱۶.۸	۱۰.۱

براساس جدول (۳) از بین کل ۳۷۶ نفر پاسخگو، بیش از ۲۱.۵ درصد افراد از پتانسیل بسیار پایینی برای بخشش افراد خاطی برخوردار بوده‌اند و پتانسیل بخشش بیش از ۳۳.۲ درصد افراد نیز در سطح پایینی بوده است. ۱۸.۴ درصد افراد، از پتانسیل بخشش متوسطی برخوردار بوده و ۱۶.۸ درصد هم دارای پتانسیل بالایی برای گذشت از فرد خاطی بوده‌اند. در نهایت تنها ۱۰.۱ درصد افراد بررسی شده، پتانسیل مطلوبی جهت بخشش افراد خاطی نسبت به خود و اعضای خانواده داشته‌اند.

جدول (۴) شاخص‌های توصیفی پتانسیل عفو و بخشش و ابعاد آن (مقیاس ۰ تا ۱۰۰)

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
پتانسیل بخشش معطوف به خود	۴۱.۵	۲۱.۸۶	۰	۱۰۰
پتانسیل بخشش معطوف به دیگران	۳۴.۷۸	۱۶.۵۴	۰	۱۰۰
پتانسیل بخشش (کل)	۳۸.۱۴	۱۹.۰۵	۰	۱۰۰

براساس جدول (۴) میانگین پتانسیل بخشش به صورت کلی در بین نمونه بررسی شده برابر با ۳۸.۱۴ در مقیاس صفر تا صد بوده است که نشان می‌دهد، در مجموع پتانسیل پایینی در بین جامعه آماری ارومیه جهت بخشش افراد خاطی و مجرم وجود دارد. همچنین طبق این جدول، میانگین میزان پتانسیل بخشش فرد، در صورتی که یکی از اعضای خانواده فرد قربانی باشد، به مقدار ۶.۷۲ پایین تر از زمانی است که خود فرد پاسخگو، قربانی بوده و در شرایط بخشش قرار می‌گیرد، براساس نتایج آزمون مقایسه زوجی، این تفاوت میانگین از لحاظ آماری معنادار بوده است و در جامعه آماری پتانسیل بخشش معطوف به خود به مراتب بالاتر از پتانسیل بخشش معطوف به دیگران بوده است.

سرمایه اجتماعی

جدول (۴) شاخص‌های توصیفی سرمایه اجتماعی و ابعاد آن (مقیاس ۰ تا ۱۰۰)

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
انجام اجتماعی	۵۵.۱۸	۱۹.۵۱	۰	۱۰۰
شبه روابط اجتماعی	۶۳.۴۲	۲۰.۸۶	۰	۱۰۰
اعتماد اجتماعی	۳۸.۱۲	۱۷.۵۲	۰	۱۰۰
کنترل اجتماعی	۴۳.۵۸	۱۹.۷۲	۰	۱۰۰
حمایت اجتماعی	۵۱.۶	۲۰.۴۵	۰	۱۰۰
همبستگی اجتماعی	۶۲.۰۵	۱۸.۹	۰	۱۰۰
سرمایه اجتماعی	۵۲.۳۲	۱۸.۷۳	۸.۵۴	۹۸.۴۴

براساس جدول (۴) میانگین سرمایه اجتماعی در بین نمونه آماری بررسی شده برابر با ۵۲.۳۲ در مقیاس صفر تا صد بوده است که نشان می‌دهد وضعیت سرمایه اجتماعی در سطح متوسطی قرار دارد. همچنین در بین ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی، میانگین اعتماد اجتماعی (به صورت بین شخصی و تعمیم یافته) با میزان ۳۸.۱۲ کمتر از سایر ابعاد بوده و شبکه روابط اجتماعی با میانگین ۶۳.۴۲ در سطح بالاتری نسبت به سایر ابعاد سرمایه اجتماعی قرار گرفته است. بعد کنترل اجتماعی نیز در بین نمونه آماری دارای میانگین نسبتاً پایینی بوده است؛ در حالی که در سایر موارد، میانگین ابعاد سرمایه اجتماعی بالای مقدار میانه ۵۰ بوده است.

نتایج آزمون فرضیه‌های تحقیق

باتوجه به فاصله‌ای بودن مقیاس متغیرهای تحقیق و عدم معناداری مقدار Z آزمون توزیع نرمال‌ها، برای آزمون فرضیه‌های تحقیق، ابتدا از طریق نمودار پراکنش روابط مرتبه صفر متغیرها، از خطی بودن روابط، اطمینان حاصل شده است. در این میان، از بین روابط بررسی شده، رابطه بین سرمایه اجتماعی و بعد پتانسیل بخشش معطوف به دیگران غیرخطی بوده است، لذا علاوه بر آزمون فرضیه‌های تحقیق به وسیله آزمون همبستگی پیرسون، رابطه بین سرمایه اجتماعی و پتانسیل بخشش معطوف به دیگران، به صورت جداگانه نیز تحلیل شده است، در ذیل جدول مربوط به نتایج همبستگی متغیرهای تحقیق ذکر شده است:

جدول (۵) نتایج همبستگی پیرسون مرتبه صفر سرمایه اجتماعی و پتانسیل عفو و بخشش

پتانسیل عفو و بخشش	بخشش معطوف به خود	بخشش معطوف به دیگران
سرمایه اجتماعی	۰.۴۲۲**	۰.۲۱۱**
انجام اجتماعی	۰.۳۹۲**	۰.۲۰۷**
شبه روابط اجتماعی	۰.۴۸۹**	۰.۲۴**
اعتماد اجتماعی	۰.۱۷۵**	۰.۰۹۱**
کنترل اجتماعی	۰.۳۷۱**	۰.۱۸۳**
حمایت اجتماعی	۰.۵۱۷**	۰.۱۵۴**
همبستگی اجتماعی	۰.۳۷۶**	۰.۱۱۸**

* $p < .05$ ** $p < .01$

براساس جدول فوق، رابطه بین سرمایه اجتماعی و پتانسیل عفو و گذشت افراد در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأیید شده است، لذا فرضیه اصلی تحقیق مبنی بر وجود رابطه معنادار بین سرمایه اجتماعی و

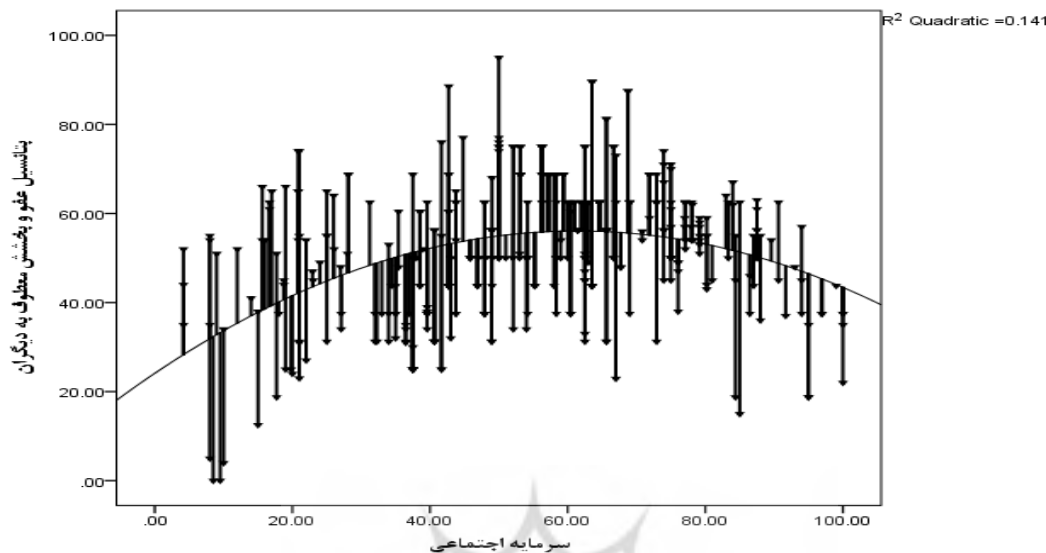
پتانسیل عفو و بخشش در بین جامعه آماری مورد مطالعه، تأیید می‌شود. شدت این رابطه نیز در حد بالایی بوده و مجذور همبستگی آن ۰.۱۷۹ بوده است. جهت این رابطه نشان می‌دهد که با افزایش سرمایه اجتماعی بین مردم، پتانسیل عفو و بخشش آنها نیز افزایش پیدا می‌کند.

همچنین رابطه خطی بین سرمایه اجتماعی و هر دو بعد بخشش معطوف به خود و بخشش معطوف به دیگران نیز معنادار بوده و جهت رابطه‌های آنها نیز مثبت بوده است، اما با توجه به خطی نبودن رابطه بین سرمایه اجتماعی و بعد پتانسیل بخشش معطوف به دیگران شدت این رابطه نسبت به بعد بخشش معطوف به خود، بسیار پایین بوده است. لذا جهت سنجش دقیق نوع رابطه بین دو متغیر سرمایه اجتماعی و بعد پتانسیل عفو و بخشش معطوف به دیگران، این رابطه به صورت جداگانه در ذیل بررسی شده است.

قبل از بررسی این مسأله لازم است سایر روابط گزارش شده در جدول (۵) تفسیر شود. براساس این جدول، اگرچه همه روابط بررسی شده، دست کم در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار بوده‌اند اما متغیر اعتماد اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی، کمترین نقش را در پتانسیل عفو بخشش و ابعاد آن داشته است. ابعاد کنترل اجتماعی و همبستگی اجتماعی نیز نسبت به سایر ابعاد، رابطه ضعیف تری با پتانسیل عفو و بخشش داشته‌اند، این شدت رابطه حتی در مورد بعد پتانسیل بخشش معطوف به دیگران بسیار پایین بوده است. این در حالی است که متغیرهای حمایت اجتماعی و شبکه روابط اجتماعی بیشترین شدت تأثیر را بر متغیر پتانسیل عفو و بخشش و ابعاد آن داشته‌اند.

تحلیل رابطه غیر خطی سرمایه اجتماعی و پتانسیل عفو و بخشش معطوف به دیگران

همچنانکه در بخش قبل اشاره شد، نمودار پراکندگی رابطه بین دو متغیر سرمایه اجتماعی و بعد معطوف به دیگران پتانسیل بخشش، غیرخطی بودن رابطه آنها را نشان داده است، این نمودار همراه با منحنی برازش ترسیم شده آن، در ذیل آمده است:



شکل (۲) نمودار پراکنش رابطه بین سرمایه اجتماعی و بعد پتانسیل عفو و بخشش معطوف به دیگران براساس این نمودار، در نظر گرفتن رابطه بین سرمایه اجتماعی و بعد پتانسیل عفو و بخشش معطوف به دیگران، به صورت رابطه سهمی درجه دوم با نقطه عطف بالا، دارای برازش بیشتری نسبت به رابطه خطی میان آنها است؛ نتایج مربوط به بررسی رابطه سهمی درجه دوم این دو متغیر، در جدول (۶) بررسی شده است:

جدول (۶) نتیجه برازش رابطه سهمی درجه دوی تأثیر سرمایه اجتماعی بر پتانسیل بخشش معطوف به دیگران

متغیرهای وارد شده به معادله	مقدار بتا	مقدار t	مقدار معناداری t
سرمایه اجتماعی	۱.۴۶۶	۷.۴۴۵	۰.۰۰۰
مجذور سرمایه اجتماعی	-۱.۲۹۲	-۶.۵۶۵	۰.۰۰۰
مقدار F: ۳۱.۵۲۹		R: ۰.۳۷۵	
مقدار معناداری F: ۰.۰۰۰		R ² : ۰.۱۴۱	

طبق نتایج جدول (۶) مقدار معناداری آزمون F برابر با ۰.۰۰۰ بوده و تحلیل انجام شده دارای برازش با جامعه آماری بوده است. طبق این نتایج، مجذور همبستگی چندگانه بین دو متغیر سرمایه اجتماعی و پتانسیل بخشش معطوف به دیگران برابر با ۰.۱۴۱ بوده که به میزان ۰.۰۹۶ بیشتر از مجذور همبستگی رابطه خطی بین دو متغیر مذکور است. براساس نتایج به دست آمده از تحلیل فوق، معادله استاندارد تابع پتانسیل بخشش معطوف به دیگران براساس سرمایه اجتماعی عبارت است از:

(سرمایه اجتماعی) $-۱.۲۹۲ - (سرمایه اجتماعی) = ۱.۴۶۶$ پتانسیل عفو و بخشش معطوف به دیگران
 بنابر معادله نهایی تابع سهمی درجه دوی محاسبه شده، با افزایش سرمایه اجتماعی تا نقطه عطف منحنی (نمودار ۲) میزان پتانسیل عفو و بخشش معطوف به دیگران نیز از سوی اشخاص افزایش پیدا کرده است، اما بعد از آن با افزایش بیشتر سرمایه اجتماعی به تدریج، از شدت پتانسیل عفو و بخشش معطوف به دیگران کاسته شده است. لذا سرمایه اجتماعی اگرچه در سطح متوسط می تواند نقش بسزایی در خلق

پتانسیل عفو و بخششی داشته باشد که متوجه اعضای خانواده فرد می شود؛ اما افزایش بالای سرمایه اجتماعی در ترک بخشش معطوف به نزدیکان نقش ایفا می کند و براساس یافته های آماری، کسانی که سرمایه اجتماعی بسیار قوی داشته اند، امکان بخشش فرد خاطی از سوی آنها در صورتی که فرد به یکی از اعضای خانواده آسیبی (مالی، جانی، عاطفی و یا جمعی) وارد کرده باشد، کاهش پیدا کرده است. در واقع همبستگی و روابط شدید بین افراد می تواند یادآور روابط مکانیکی دورکیمی باشد، که براساس نتایج تحقیق، توانسته است نقش منفی در جهت پتانسیل عفو و بخشش ایفا کند.

تحلیل چند متغیره رابطه بین سرمایه اجتماعی و پتانسیل عفو و بخشش

اگرچه در یافته های ذکر شده، رابطه مرتبه صفر بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن با متغیر پتانسیل عفو و بخشش بررسی شده است، اما در جهت دستیابی به میزان مشارکت نسبی و همزمان هر کدام از ابعاد سرمایه اجتماعی بر متغیر عفو و بخشش، از تحلیل چند متغیره رگرسیون چندگانه با روش همزمان استفاده شده است. خلاصه نتایج این تحلیل، برای نیل به رتبه بندی نسبی میزان تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر پتانسیل بخشش، در جدول (۷) آمده است:

جدول (۷) نتایج مربوط به تحلیل رگرسیون مشارکت همزمان ابعاد سرمایه اجتماعی بر پتانسیل عفو و بخشش

متغیرهای وارد شده به معادله	مقدار بتا	مقدار t	مقدار معناداری t
انجام اجتماعی	۰.۱۷۹	۲.۵۷۸	۰.۰۰۸
شبهه روابط اجتماعی	۰.۴۳۸	۹.۹۰۸	۰.۰۰۰
اعتماد اجتماعی	۰.۰۶۴	۱.۲۸۴	۰.۰۶۱
کنترل اجتماعی	۰.۳۰۸	۷.۶۹۴	۰.۰۰۰
حمایت اجتماعی	۰.۵۹۴	۱۲.۵۴۹	۰.۰۰۰
همبستگی اجتماعی	۰.۱۹۸	۲.۶۷۱	۰.۰۰۱
مقدار F: ۹۷.۵۴۲	مقدار معناداری F: ۰.۰۰۰	مقدار R: ۰.۶۱۷	مقدار R ² : ۰.۳۸۰

طبق نتایج به دست آمده در جدول (۷) مقدار F معادله رگرسیونی انجام شده در جهت تبیین پتانسیل عفو و بخشش، معنادار بوده است؛ لذا نتایج این تحلیل از برآزش لازم با جامعه آماری برخوردار است. همچنانکه مشاهده می شود ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی در نهایت، بیش از ۳۸ درصد تغییرات متغیر پتانسیل عفو و بخشش در افراد را تبیین کرده اند. در این میان، باتوجه به مقدار معناداری آزمون t، تنها تأثیر متغیر اعتماد اجتماعی بر پتانسیل عفو و بخشش، معنادار نبوده است. در حالی که در جامعه آماری ارومیه، بعد حمایت اجتماعی، بیشترین تأثیر نسبی را بر پتانسیل عفو و بخشش افراد داشته و بعد از آن، شبکه روابط اجتماعی نیز تأثیر بالایی بر این متغیر داشته است. کنترل اجتماعی نیز تأثیر مستقیم نسبی بالایی بر پتانسیل عفو و گذشت داشته است و در نهایت دو متغیر انسجام و همبستگی اجتماعی، کمترین سهم خالص را در افزایش پتانسیل عفو و بخشش افراد داشته اند. لذا باتوجه به شدت همبستگی بالای این دو متغیر، در رابطه مرتبه صفر با متغیر وابسته، می تواند ادعا کرد که انسجام اجتماعی و همبستگی اجتماعی به عنوان ابعاد زمینه ای مؤثر بر پتانسیل عفو و بخشش مطرح شده اند که هم به صورت بی

واسطه و هم از طریق تأثیرگذاری بر سایر ابعاد سرمایه اجتماعی در افزایش و یا کاهش پتانسیل عفو و بخشش افراد، نقش ایفا می‌کنند.

بحث و نتیجه گیری

مطالعه ادبیات موجود در زمینه مفهوم عفو و بخشش نشان می‌دهد که این مفهوم تنها در حوزه مطالعات روانشناختی مورد توجه قرار گرفته است. بررسی نحوه سنجش این مفهوم در علم روانشناسی حاکی از آن بوده است که در این حوزه مفهوم عفو، به یک پدیده روانی و احساس تنزیل داده شده است و از جنبه های اجتماعی آن چشم-پوشی شده است. لذا این تحقیق بصورت اکتشافی در تلاش بوده است که پدیده بخشش را به عنوان یک پدیده اجتماعی برآمده از ارتباط بین کنشگران اجتماعی، از منظر جامعه شناسی مفهوم سازی کند. لذا در این تحقیق مفهوم عفو و بخشش به عنوان یک کنش اجتماعی تلقی شده است که طی آن، فرد از مقابله قهری با هنجارشکنی و بزهکاری افراد، با هدف جلوگیری از تکرار آن، پرهیز می‌کند. با توجه به نظام شخصیتی کنشگران، هنجارشکنی و بزهکاری افراد در این تحقیق در چهار بعد جانی، مالی، عاطفی و جمعی، مدنظر قرار گرفته شده که متوجه شخص قربانی رفتار انحرافی و یا اعضای خانواده وی می‌شود. از طرف دیگر، براساس نسبت قربانی با فرد پاسخگو، عفو و بخشش در دو بعد بخشش فرد خاطی با خطای(بزه) معطوف به خود و بخشش فرد خاطی با خطای معطوف به دیگران تقسیم بندی شده است و از آنجا که وضعیت عفو و بخشش افراد را می‌بایست در شرایط و جنبه های مختلف در نظر گرفت، لذا در واقع پتانسیل و قابلیت کنش بخشش در شرایط مختلف احتمالی، در فرآیند مفهوم سازی عفو و بخشش مطالعه حاضر، مدنظر قرار گرفته شده است.

در این پژوهش علاوه بر مفهوم سازی و سنجش پتانسیل عفو و بخشش در بین شهروندان ارومیه‌ای نقش سرمایه اجتماعی شناختی بر این پتانسیل نیز در سطح فردی مورد بررسی قرار گرفته است. به این ترتیب، در پژوهش حاضر از دید جامعه شناسی، نقش تبیینی سرمایه اجتماعی رابطه‌ای بر پتانسیل عفو و بخشش شهروندان ارزیابی شده است.

یافته‌های تحقیق در مورد میزان پتانسیل عفو و بخشش در بین شهروندان ارومیه‌ای نشان داده است که میانگین پتانسیل عفو و بخشش در بین نمونه آماری برابر با ۳۸.۱ درمقیاس صفر تا صد بوده است که می‌توان نتیجه گرفت در کل، پتانسیل بخشش در بین شهروندان ارومیه در سطح پایینی قرار دارد. همچنین براساس یافته های استنباطی به دست آمده، میزان میانگین پتانسیل بخشش در بعد معطوف به خود شخص، به میزان ۶.۷ درصد بیشتر از میانگین پتانسیل بخشش معطوف به اعضای خانواده بوده است. براساس متغیرهای الگویی پارسنز، در شرایط ساختی، زمانی که روابط مکانیکی دست‌کم در بین اعضای خانواده باقی مانده باشد، افراد در میزان بخشندگی معطوف به اعضای خانواده متأثر از جهت‌گیری

جمعی و خاص گرایانه، روابط عاطفی و کیفیت ذاتی آن بوده و به این دلیل پتانسیل کمتری در بخشش معطوف به اعضای خانواده دارند.

در بخش تبیینی مطالعه حاضر، سرمایه اجتماعی رابطه ای به عنوان عامل تقویت کننده پتانسیل عفو و بخشش در نظر گرفته شده است. لذا باتوجه به جنبه شناختی یا رابطه ای سرمایه اجتماعی، ابعاد اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، همبستگی اجتماعی، حمایت اجتماعی، شبکه روابط اجتماعی و کنترل اجتماعی، برای آن متصور گشته و مورد اندازه گیری قرار گرفته است؛ باتوجه به این ابعاد، یافته های توصیفی نشان می دهد که وضعیت سازه سرمایه اجتماعی در بین شهروندان ارومیه ای در سطح متوسطی قرار دارد.

تحلیل استنباطی فرضیه های تحقیق نشان داده است که سرمایه اجتماعی به صورت کلی، به میزان ۱۸ درصد در افزایش پتانسیل عفو و بخشش نقش داشته است. این رابطه در مورد بعد پتانسیل بخشش معطوف به خود، حتی بیشتر از این مقدار بوده است. اما باتوجه به نمودار پراکنش رابطه بین سرمایه اجتماعی و پتانسیل بخشش معطوف به دیگران (اعضای خانواده)، منحنی خطی برازش لازم را نداشته است و باتوجه به آزمون برازش منحنی های مختلف، در نهایت به این نتیجه رسیده ایم که پربرازش ترین منحنی رابطه بین سرمایه اجتماعی و بعد پتانسیل معطوف به خانواده، منحنی سهمی درجه دوم با نقطه عطف بالا بوده است. براساس این نوع رابطه، اگرچه افزایش سرمایه اجتماعی تا سطح متوسطی، باعث افزایش پتانسیل عفو و بخشش معطوف به خانواده شده است اما افزایش و تقویت بالای سرمایه اجتماعی یا به عبارتی برخورداری از همبستگی اجتماعی قوی، حمایت های اجتماعی شدید، انسجام اجتماعی مستحکم، شبکه روابط گسترده و عمیق، کنترل اجتماعی پویا و قوی، و اعتماد بالا به اطرافیان، در شرایطی که فرد خاطی نسبت به اعضای خانواده فرد، خطایی مرتکب شود، قابلیت بخشش خاطی از سوی افراد کاهش پیدا می کند. این نتیجه تا حدی همسو با یافته های ایمیل دورکیم در مورد رابطه بین همبستگی اجتماعی و خودکشی نوع دوستانه است. در واقع شدت قوی همبستگی و پیوندهای اجتماعی افراد (سرمایه اجتماعی) حاکی از مکانیکی بودن روابط اجتماعی است؛ در این وضعیت سنتی، شدت عصبیت خانوادگی افراد و تعلقات عاطفی و نسبی آنها نیز بیشتر خواهد بود، به این ترتیب روحیه ای جمع گرایانه داشته و حراست از اعضای خانواده را مقدم بر بقای خود می دانند. بنابراین زمانی که شدت سرمایه اجتماعی بسیار قوی می شود پتانسیل افراد برای گذشت از تخطی به حریم اعضای خانواده اش کاهش پیدا می کند. در حالی که این رابطه، در مورد پتانسیل بخشش معطوف به خود صادق نیست.

همچنین یافته های آماری تحقیق در جهت رتبه بندی میزان تأثیر خالص هر کدام از ابعاد سرمایه اجتماعی بر متغیر پتانسیل عفو و بخشش نشان داده است که شش بعد بررسی شده در مجموع به ۳۸ درصد تغییرات پتانسیل عفو و بخشش کنشگران، پاسخ داده است. طبق این نتایج تنها تأثیر خالص اعتماد اجتماعی بر متغیر وابسته معنادار نبوده است و این بعد از سرمایه اجتماعی نقش مستقیمی در

افزایش پتانسیل عفو و بخشش افراد نداشته و تنها از طریق تقویت سایر ابعاد سرمایه اجتماعی، بر متغیر وابسته تأثیر داشته است. همچنین براساس مقدار بتای تأثیر دو بعد انسجام اجتماعی و همبستگی اجتماعی بر متغیر وابسته، این دو عامل نسبت به سایر ابعاد، تأثیر خالص کمتری بر پتانسیل عفو و بخشش داشته و بیشتر در نقش عوامل زمینه‌ای و ساختاری، با تقویت ابعاد کنترل، حمایت و شبکه روابط اجتماعی، به صورت غیرمستقیم در افزایش پتانسیل عفو و بخشش جامعه نقش ایفا می‌کنند. در نهایت نتایج تحقیق نشان داده است که حمایت اجتماعی از افراد بیشترین سهم نسبی را در افزایش پتانسیل عفو و بخشش داشته است و در ادامه دو عامل شبکه روابط اجتماعی و کنترل اجتماعی نقش مستقیم نسبی بالایی در تبیین پتانسیل عفو و بخشش جامعه ارومیه داشته‌اند.

باتوجه به اینکه پدیده عفو و بخشش در روابط اجتماعی عینیت پیدا می‌کند می‌بایست آن را به‌عنوان یک امر اجتماعی تلقی کرد و باتوجه به مغفول ماندن این مفهوم در ادبیات نظری و تجربی علوم اجتماعی، پیشنهاد می‌شود تلاش‌های نظری هستی‌شناختی در جهت پرورش این مفهوم در حوزه جامعه‌شناسی صورت گیرد. همچنین در تبیین این مفهوم به ابعاد ساختاری سرمایه اجتماعی از جمله رسانه‌های و شبکه‌های اجتماعی، سازمان‌های مردم‌نهاد، نظام آموزش رسمی و غیر رسمی و غیره توجه شود.

منابع و مأخذ

۱. ازکیا، م (۱۳۸۲)، جامعه‌شناسی توسعه، تهران، نشر کلمه، چاپ چهارم
۲. آرون، ر؛ (۱۳۷۲)، مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، پرهام، تهران، سهامی، چاپ سوم.
۳. الوانی، س و سیدنفوی، م (۱۳۸۱). سرمایه اجتماعی: مفاهیم و نظریه‌ها، فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۳۳ و ۲۶: ۳-۳۴
۴. توداروم، (۱۳۷۵)، توسعه اقتصادی در جهان سوم؛ ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه
۵. توسلی، غ (۱۳۸۰)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، سمت، چاپ هشتم.
۶. چلبی، م (۱۳۸۱)، بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران. تهران: مؤسسه ی پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۷. چلبی، م؛ مبارکی، م (۱۳۸۴)، تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۲، صص ۳-۴۴
۸. دانشگر، م (۱۳۹۰)، عفو و بخشش از منظر روان‌شناسی و الاهیات مسیحی، فصلنامه پژوهش‌های فلسفی-کلامی، شماره ۵۰، صص ۱۰۷-۱۱۶

۹. زندی پور، ط و یادگاری، ه (۱۳۸۶) ارتباط بخشش با رضایت از زندگی در بانوان دانشجوی متأهل غیربومی دانشگاه های تهران، فصلنامه مطالعات زنان، سال پنجم، شماره ۳، صص ۱۰۹-۱۲۲
۱۰. ستوده، ه (۱۳۸۰)، آسیب شناسی اجتماعی جامعه شناسی انحرافات، تهران، انتشارات آوای نور، چاپ هفتم
۱۱. شارع پور، م (۱۳۸۰)، فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامد های آن. نامه علوم اجتماعی. شماره ۳.
۱۲. شایان مهر، ع (۱۳۷۷): دایرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی (کتاب اول)، تهران، کیهان، چاپ اول،
۱۳. کلمن، ج (۱۳۷۷). بنیاد های نظریه اجتماعی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشرنی.
۱۴. ممتاز، ف (۱۳۸۱)، انحرافات اجتماعی، نظریه ها و دیدگاه ها، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۵. Amal M. S. Al-Sabeelah, Fatima E. A. Alraggad & oraib-Abu Ameerh. (۲۰۱۴), The relationship between forgiveness and personality traits, mental health among sample Jordanian university students. Department of Psychology and Special Education Princess Alia College Al-Balqa Applied University, Amman, Jordan
۱۶. Ashton, M. C., Paunonen, S. V., Helmes, E. and Jackson, D. N. (۱۹۹۸). Kin altruism, reciprocal altruism, and the big five personality factors. *Evolution and Human Behavior*, ۱۹, ۲۴۳-۲۵۵.
۱۷. Avison, W. R., McLeod, J. D., Pescosolido, B. A., Eds. (۲۰۰۶) *Mental Health, Social Mirror*. New York: Springer
۱۸. Berry, J. W., Worthington, E. L., O'Connor, L. E., Parrott, L., & Wade, N. G. (۲۰۰۵). Forgiveness, vengeful rumination, and affective traits. *Journal of Personality*, ۷۳, ۱۸۳-۲۲۶.
۱۹. Bourdieu, p. (۱۹۸۶). "The forms of capital", in J. G. Richardson (ed). *Handbook of Theory and Research for the sociology of Education*, New York: Landon: Greenwood press
۲۰. Brehm J., Rahn W. (۱۹۹۷). "Individual level evidence for causes & consequences of social capital"; *American Journal of Political Science*, Vol. ۴۱, No.
۲۱. Coleman, J. (۱۹۸۸). "social capital in the creation of human capital", *American journal of sociology*, Vol. ۹۴: S ۹۵-۱۲۰
۲۲. Fincham, F. D., Hall, J. H. & Beach, S. R. H. (۲۰۰۵). 'Til lack of forgiveness doth us part: Forgiveness in marriage. In E. L. Worthington (Ed.), *Handbook of forgiveness* (pp. ۲۰۷-۲۲۶). New York: Routledge.
۲۳. Fincham, F.D. & Beach, S.R. Fincham, F.D. & Beach, S.R. (۲۰۱۳). *Marital Forgiveness Scale (Dispositional)*. Measurement Instrument Database for the Social Science. Retrieved from www.midss.ie
۲۴. Freedman, S. R., & Enright, R. D. (۱۹۹۶). Forgiveness as an intervention goal with incest survivors. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, ۶۴(۵), ۹۸۳-۹۹۲
۲۵. Garip F. (۲۰۰۸). "Social capital and migration: How do similar resources lead to divergent?"; *Demography*, Vol

۲۶. Gobari Bnab, B. , Keyvanzadeh, M. & Vahdat Torbati, S. H. (۲۰۰۸). The relationship between forgiveness and mental health in medical college students. *Journal of Psychology and Education*. ۳۸۲, ۱۶۷-۱۸۰.
۲۷. Greene, J. P. (۲۰۰۱). "Social and cultural capital in Colonial British America: a case study", in Rotberg, R. (Ed), *Patterns of Social Capital: Stability and Change in Historical Perspective*, Cambridge University Press, Cambridge
۲۸. Hsieh Ch-H ;(۲۰۰۸). "A concept analysis of social capital within a health context"; *Nursing Forum*, Vol. ۴۳, No.
۲۹. Jane, W. & Jannie, N. (۲۰۰۰). *Health Promotion Foundation for Practice*. ۲nd Edition, Harcourt Published.
۳۰. Kearns, J. N. ,& Fincham, F. D. (۲۰۰۴). A prototype analysis of forgiveness. *Personality and Social Psychology Bulletin*, ۳۰, ۸۳۸-۸۵۰.
۳۱. Putnam , R. D. (۱۹۹۵). " Bowling alone: America's declining Social Capital", *Journal of Democracy* ۶(۱۰): ۶۵-۷۸
۳۲. Ross, S. R. , Hertenstein, M. J. , Wrobel, T. A. (۲۰۰۷). Maladaptive correlates of the failure to forgive self and others: Further evidence for a two-component model of forgiveness. *Journal of personality Assessment*, ۸۸۲, ۱۵۸-۱۶۷.
۳۳. Ross, S. R. , Kendall, A. C. , Matters, K. G. , Wrobel, T. A. and Rye, M. S. (۲۰۰۴). A person logical examination of self and other-forgiveness in the five-factor model.
۳۴. Saif, S. & Bahari, F. (۲۰۰۴). The relatedness of couples forgiveness and their mental health. *Psychological Studies*, ۱۱, ۹-۱
۳۵. Staub, E. (۲۰۰۶). (in press) Reconciliation after genocide, mass killing or intractable conflict: understandin the roots of violence, psychological recovery and steps toward a general theory.
۳۶. Yamhure Thompson, Laura; Snyder, C. R. (Rick); and Hoffman, Lesa, (۲۰۰۵). "Heartland Forgiveness Scale" Faculty Publications, Department of Psychology. Paper ۴۵۲. <http://digitalcommons.unl.edu/psychfacpub/452>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی